

راز سلوک پارسایان تا منزلگاه شهود

آیت‌الله عباسی خراسانی ضمن اشاره به ویژگی‌های متقین تصریح کرد: اهل یقین با چراغ کوثر حرکت می‌کنند و به شهودی می‌رسند که جز حضرت حق چیز دیگری برایشان مطرح نیست.



آیت‌الله عباسی خراسانی ضمن اشاره به ویژگی‌های متقین تصریح کرد: اهل یقین با چراغ کوثر حرکت می‌کنند و به شهودی می‌رسند که جز حضرت حق چیز دیگری برایشان مطرح نیست.

به گزارش ایکن؛ جلسه تفسیر آیت‌الله عباسی خراسانی با محوریت سوره بقره امروز سه شنبه، چهارم آذرماه برگزار شد. وی در این جلسه اظهار کرد: انسان‌های پارسا و پرهیزگار و در اصطلاح قرآن «متقین» کسانی هستند که مومن به غیب هستند. آخرین خصلتشان این است که رستگار هستند. با این سیری که در این آیات آمده است، انسان پارسا ایمان به غیب دارد، اهل اقامه نماز و انفاق است، ایمان به رسالت مطلقه دارد، ایمان به کتب الهی دارد و به آخرت یقین دارد. اینها دارای یک هدایت ربی هستند، نه هدایت خلقی؛ بلکه هدایت خلقی را پشت سر گذاشتند. اینها کسانی هستند که به فلاح و پیروزی رسیدند و این پیروزی را با سختی و مشکلات به دست آوردند. عرضی که دارم این است که در آیه شریفه پنجم می‌فرماید: «اولئک علی هدی من ربهم» کلمه «اولئک» اشاره به دور دارد و به معنی «آنها» است. «علی» به معنای استعلا است. با این توصیف متقین استوار بر هدایت هستند و منزلتشان آن قدر بلندمرتبه است که یک هدایت بی‌بدیل دارند. چون متقین بر هدایت استوار هستند، گویا ارکان هدایت هستند. کسی می‌تواند سوار بر هدایت باشد که رکن هدایت باشد.

استاد حوزه علمیه ادامه داد: واژه مفلح بسیار قابل دقت است. انسان‌های پارسا با گذر از مشکلات و موانع و شکستن صفوف مشکلات و دشمنان، آنچنان پایدار می‌شوند که میدان موانع را می‌بندند و به جایی می‌رسند که فلاحشان با جهادشان و تقوایشان یکی می‌شود و به عبارت دیگر، تقوایشان موجب فلاحشان شده است. اینها با ناپروردگی به جایی نرسیدند، بلکه با بلاکشی و مشکلات به جایی رسیدند. اینها زندگی‌شان اجین شده با یقینی است که آن یقین را آسان به دست نیاوردند. یقین اینها در اواسط راهشان است. فلاحشان بعد از یقینشان است؛ یعنی اینها آن قدر طی طریق کردند و سیر و سلوک کردند که به یقینی رسیدند که به تعبیر امیرالمومنین(ع) یقینشان دارای آثار است. آثار یقینشان چیست؟ آثار یقینشان تسلیم و تصدیق و اقرار است. در یک جمله متقین اهل عمل هستند.

وی در ادامه اظهار کرد: حکمت ۱۲۵ نهج البلاغه را ملاحظه بفرمایید. امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: «لَأُتَسَبَّنَ الْإِسْلَامُ نِسْبَةً لَمْ يَتَسَبَّهَا أَحَدٌ قَبْلِي؛ الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَ التَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينُ هُوَ التَّصَدِيقُ وَ التَّصَدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ وَ الْإِقْرَارُ هُوَ الْأَدَاءُ وَ الْأَدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ» اسلام را چنان می‌شناسانم که پیش از من کسی آنگونه معرفی نکرده باشد. اسلام همان تسلیم در برابر خدا و تسلیم همان یقین داشتن، و یقین اعتقاد راستین، و باور راستین همان اقرار درست، و اقرار درست انجام مسئولیت‌ها، و انجام مسئولیت‌ها همان عمل کردن به احکام دین است. «پس متقین اهل عمل هستند و چون به مرحله یقین رسیدند، دارای نورانیت مخصوص هستند. رسیدنشان به یقین هم از دو راه است: یا از راه علم است و یا از راه عمل و مشاهده ملکوت است.

عباسی خراسانی در ادامه یادآور شد: امام رضا(ع) می‌فرماید: یقین فیضی است که کمترین تقسیم را دارد. خداوند دائم الفضل است، ولی تفضلش بر یک عده ای تفضل خاص است و آن کسانی است که ظرف یقین دارند. اگر ما ظرف یقین و فلاح به پیشگاه خداوند بردیم، رزقمان رزق خاص می‌شود. شاید معنای رحمت رحیمیه همین باشد. پس بنا بر فرمایش امام رضا(ع) کمترین چیزی که بین بندگان تقسیم شده، یقین است. اولیای الهی به جایی می‌رسند که شبهه‌ها و شهوت‌ها را با یقینشان درمان می‌کنند، چون یقین نورانیتی دارد که ضیا اولیای الهی در شبهه‌ها می‌شود. پس وسیله گذر اینها از شبهات، یقین است. در نتیجه متقین طوری هستند که گذر زمان را به بقای آخرت تبدیل می‌کنند.

وی در ادامه گفت: متقین هم به یقین علمی می‌رسند که علم الیقین است و هم به یقین عینی می‌رسند که عین الیقین است و هم به یقین حقی می‌رسند که حق الیقین است. تفسیر مراتب یقین را در سوره تکاثر ملاحظه کنید. تکاثر، کثرت تجملی است، کوثر کثرت کیفی است. انسان یا در تکاثر است یا در کوثر است. اهل یقین با چراغ کوثر حرکت می‌کنند و به شهودی می‌رسند که جز حضرت حق چیز دیگری برایشان مطرح نیست.